**٩٨ - خلاصی از نفس و غرض و رهائی از خود و هوی**

و نیز در کلمات مکنونه است قوله الاعلی : ای پسر روح قفس بشکن و چون همای عشق بهوای قدس پرواز کن و از نفس بگذر و با نَفَس رحمانی در فضای قدس ربّانی بیارام ... ای بندۀ من از بند ملک خود را رهائی بخش و از حبس نفس خود را آزاد کن وقت را غنیمت شمر زیرا که این وقت را دیگر نبینی و این زمان را هرگز نیابی ... ای فرزند کنیز من اگر سلطنت باقی بینی البتّه به کمال جدّ از ملک فانی درگذری و لکن ستر آن را حکمتها است و جلوۀ این را رمزها جز افئده پاک ادراک ننماید .

و در لوح خطاب به شیخ نجفی اصفهانی است قوله الاعلی : یا شیخ از حق بطلب آذان و ابصار و افئدۀ عالم را مقدّس فرماید و از هوای نفس حفظ نماید چه که غرض مرضی است بزرگ انسان را از عرفان حضرت موجود محروم مینماید و از تجلّیات انوار نیّر ایقان ممنوع میسازد از فضل و رحمت الهی سائل و آمل که این مانع اکبر را از میان بردارد انّه هو القویّ الغالب القدیر .